

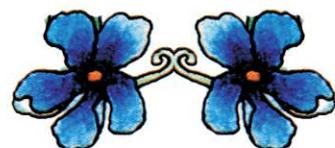


خودآموز زبان گرجی

تهیه و تنظیم:

سعید مولیانی

۱۴۰۸۰۶۱ ۲۰۰۹ هجری



پیشگفتار

گرجستان گل سرسبد سرزمین قفقاز وطن مردمی نجیب مهمنواز مقاوم و با فرهنگ است که از ابتدای سکونت در گرجستان در را ایجاد و توسعه فرهنگ و تمدن انسانی و حفظ آن تلاش‌های گسترده‌ای انجام داده و مشتقات فراوانی متحمل شده‌اند.

گرجی‌ها خود را کارتولی می‌نامند. و خاستگاه آنها به ساکارتولو شهرت دارد. گرچه سایر ملل انها را با اسمی دیگری می‌نامند. گرجیها که امروزه یکی از اقوام منفرد آسیا به شمار می‌روند مورد توجه تاریخ‌نویسان و باستان‌شناسان قرار گرفته‌اند. و این امر نتیجه غنا و تنوع فرهنگ مادی باستانی آنها و تداوم اجتماعی بهم بیوسته آنان می‌باشد.

زبان مردم گرجستان گرجی است. که متعلق به خانواده زبان‌های قفقازی بوده که زبانی بیچیده و صرفی موردن علاقه زبان شناسان می‌باشد. ولی نوشتار گرجی بسیار سهل و یادگیری آن اسان است. الفبای گرجی از ۳۳ حرف تشکیل شده است که در طول حیات خود ۳ مرحله تطور و تکامل به ترتیب آسموتاورولی، نوسو خا و مخدرولی را طی کرده است و از چپ به راست نوشته می‌شود. نوشتار زبان گرجی یکی از قدیمی‌ترین سیستم‌های نوشتاری جهان است که اختراع آن را به پرنواز اولین بادشاه کارتل نسبت میدهند. اینک در جهان بیش از سه هزار زبان وجود دارد لیکن تنها ۱۴ عدد از آنها خط و الفبای مستقل و مخصوص دارند. زبان گرجی یکی از این موارد می‌باشد که دارای الفبای فوق العاده کامل و عالی می‌باشد هر یک از علامات این الفبا با صوت معینی مطابقت دارد و از جهت تناسب تطبیق نوشتار لفظ بی‌بدیل است و حتی یک مورد عدم مطابقت حروف و اصوات در آن وجود ندارد. در زبان گرجی آنچه گفته می‌شود دقیقاً نوشته می‌شود.

زبانی که گرجیان ایران بدان تکلم می‌کنند دارای ۳۶ حرف می‌باشد. گرچه در طول ۴ قرنی که گرجیها ایران از گرجستان جدا شده اند تفاوت‌های در گویش آنها حاصل شده است. آنچه باعث تغیرات فاحش و رکود در زبان گرجیان ایران شده است عدم استفاده از نوشتار در کنار گفتار می‌باشد.

متا سفانه در نیم قرن اخیر سیر فراموشی زبان گرجی شتابی هولناک گرفت. بسیاری از لغات مهجور و فراموشی شدند و بعضی‌ها نیز بدلیل بی‌توجهی و غفلت و عدم تعصب این سیر نزولی را دو صد چندان کردند.

امید است روزی همه گرجیان ایران به زبان مادری و نوشتار آن آشنایی و تسلط کامل داشته باشند و برای احیاء و حفظ آن بکوشند و امانتی را که قرنها با مصاعب و مشکلات و امیدواری فراوان بدست ما رسیده همچون اماننده ایامین و شایسته به دیگران تحويل دهیم و شرمنده اسلاف و اخلاق خود نباشیم.

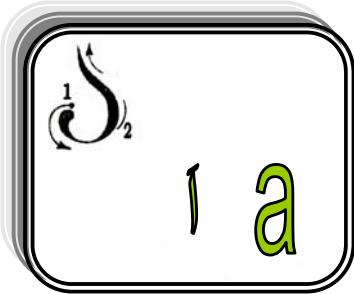
۰۵۰۵۰۵۰۵۰۵۰

سعید مولیانی چقیورتی

۱۳۸۶ فریدونشهر

ქართული და სპარსული ანბანი

ა	ა		
ბ	ბ		
გ	გ		
დ	დ		
ე	ე		
ვ	ვ		
ზ	ზ		
თ	თ		
ი	ი		
კ	კ	კატა	გრე - მთა
ლ	ლ		
მ	მ		
ნ	ნ		
ო	ო		
პ	პ	პური	ნან - მთა
ჟ	ჟ		
რ	რ		
ს	ს		
ტ	ტ	ტვინი	მურ - მთა
უ	უ		
პ	პ		
ქ	ქ		
ღ	ღ		
ა	ა	ასმანი	ხფაშ - მთა
ც	ც	ცა	
ძ	ძ	ძეგლი	მჯემე - მთა
წ	წ	წყალი	აბ - მთა
ჭ	ჭ	ჭუბა	ჯაჰ - მთა
ს	ს		
ხ	ხ		
ჯ	ჯ		
ჸ	ჸ		
ჵ	ჵ		



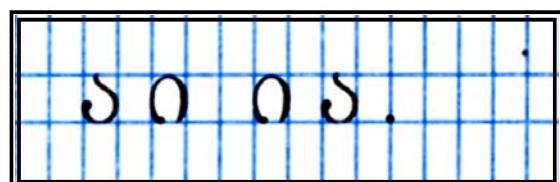
ي

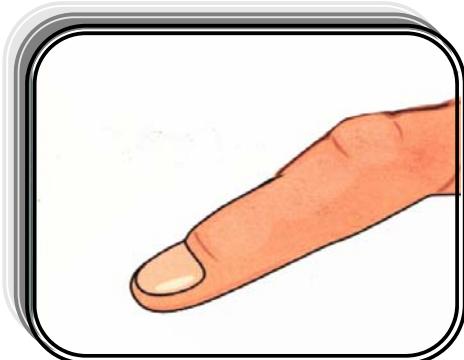
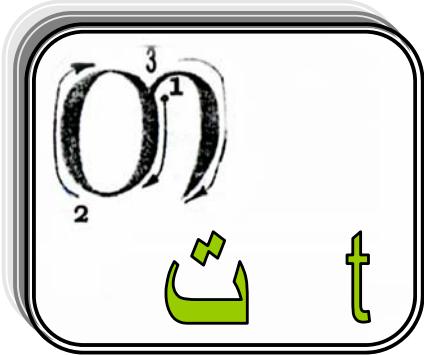
ي

ي ۰۵

۰۵ ي

۵۰	این است
۰۵	گل بنفسه
۵۰ ۰۵	این است گل بنفسه





م

م م م م

م م - م م

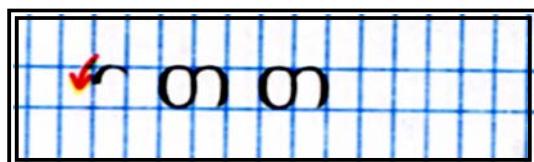
م م م م

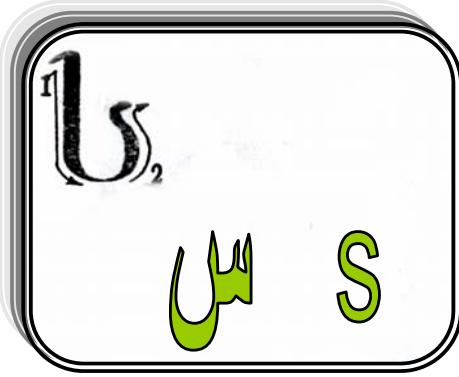
۰۰۰۰	انگشت
۰۰۰۱	نوعی انگور
۵۰۰	د
۰۵۰۰	پنجه

۵۰ ۰۰۰۰. ۵۰ ۰۰۰۱. ۵۰ ۰۰۰۵. ۵۰ ۰۰۰۰. ۵۰ ۰۰۰۰.

۵۰ ۰۰۰۱. ۵۰ ۰۰۰۱.

این انگشت است. این پنجه است. این انگور تیتا است
ده انگشت .این ده انگشت است. این ده بنفسه است
این ده پنجه است





۲

۱۵۵۰۰

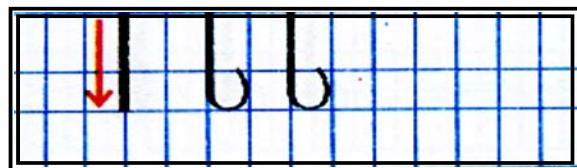
۱۵-۵-۰۰

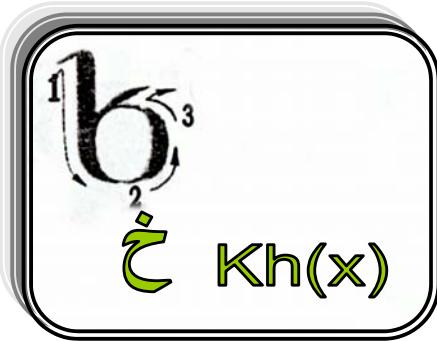
۰ ۰ ۵ ۵ ۱

۱۵۰۰	سقف دهان (کام)
۱۵۵۰۰	ساعت
۱۰۵	سیاهه، لیست
۰۱	آن، او
۱۵۰	صد
۰۱۵۰	جام

۱۵۰۰ ساعت. ۱۵۵۰۰ تا ۱۰۵. ۱۵۰ سیاهه. ۰۱۵۰ تا ۰۱. ۱۵۰ صد. ۰۱۵۰ جام.

این ساعت است. این جام است. این کام است. آن ساعت است.
آن جام است. این صد عدد ساعت است. آن لیست سوسو است
ساعت ده است





ب

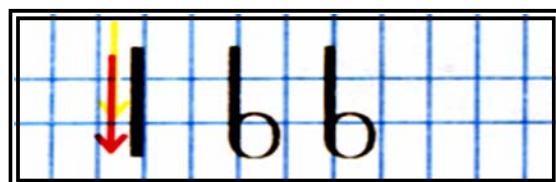
ب ب ب

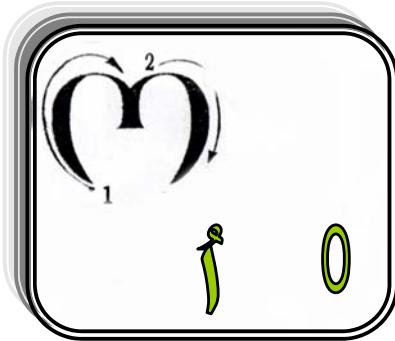
ب ب ب

ب ب ب	گل رس
ب ب ب	بُز
ب ب ب	تاتیا (اسم دختر)
ب ب ب	اسم دختر
ب ب ب	دهان

ب ب ب. ب ب ب. ب ب ب ب ب. ب ب ب ب ب. ب ب ب ب ب ب ب

این بُز است. آن گل رس است. آن بُز مال ایا است. این سقف
دهان است. آن ساعت تاتیا است.





۳

۰۱۰۶۰

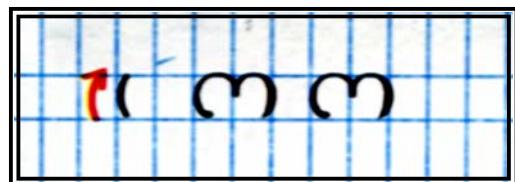
۰۱۰-۶۰

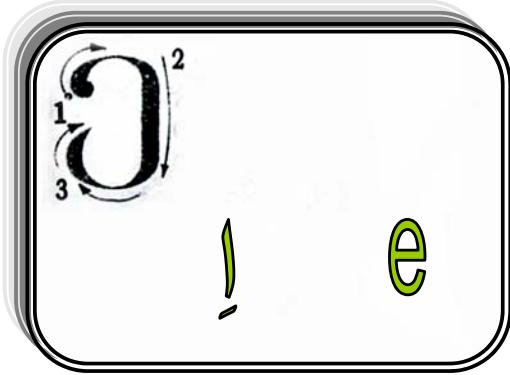
۰ ۱ ۰ ۶ ۰

۰۱۰۶۰	اتاق
۰۱۰۶۰	بیلچه
۰۱۰	أس
۰۱۰۶۰	چهار
۰۱۰۳۹	نام پسر
۰۱۰۹	نسیم

۰۱۰ ۰۱۰۶۰. ۰۱۰ ۰۱۰۶۰. ۰۱۰ ۰۱۰. ۰۱۰ ۰۱۰۳۹. ۰۱۰ ۰۱۰۶۰ ۰۱۰۶۰.
۰۱۰ ۰۱۰۳۹ ۰۱۰۶۰.

این بیلچه است. این اتاق است. این اس است. (نام قومی در گرجستان) این سوسو است. این چهار اتاق است. آن بیلچه مال سوسو است.





ج

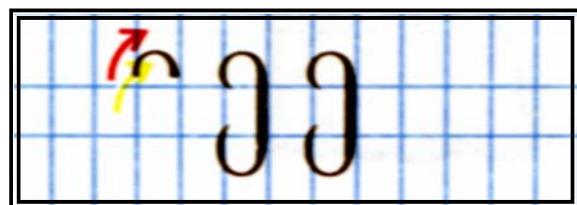
جه

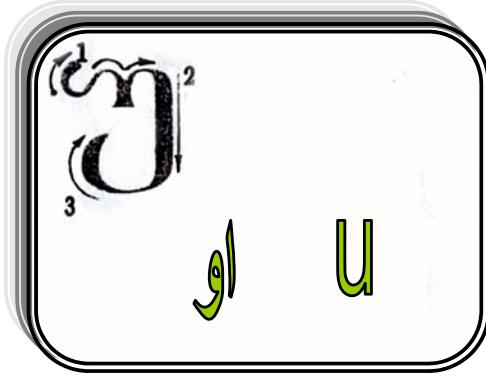
جه

سما	چهره
درخت	درخت
بکار	بکار
این	این
اینگونه	اینگونه
تئو (اسم دختر)	تئو (اسم دختر)
انگشتانه	انگشتانه

ما نیز سما، درخت بکار، این چهره، اینگونه، تئو و انگشتانه را می‌شناسیم.

این درخت است. این درخت است. این چهره است. این انگشتانه است. این طور بکار است. این ساعت است. این صورت تئو است.





و



ج

ج-تم

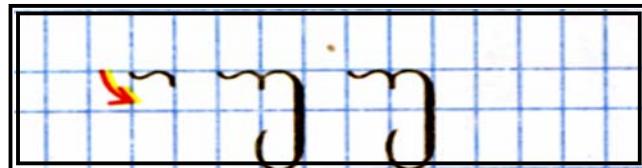
ج-تم

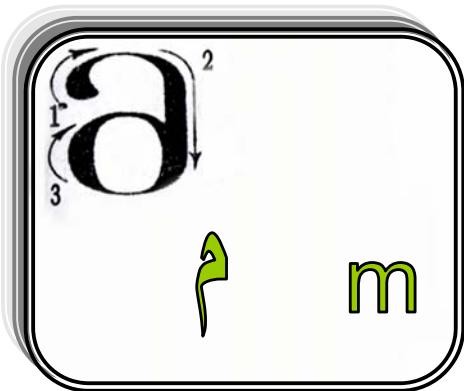
ج تم تم

ج-تم	پنج
ج-تم	اتو
ج-تم	بار (میوه)
ج-تم	توت
ج	اگر

این اتو است. این درخت توت است. این اتو است. سوسو ساکت.
درخت توت بار دارد.

این اتو است. این درخت توت است. این اتو است. سوسو ساکت.
درخت توت بار دارد.





م

مَنْ

مَوْه

سَهْ

پَدْر

بَلُوط

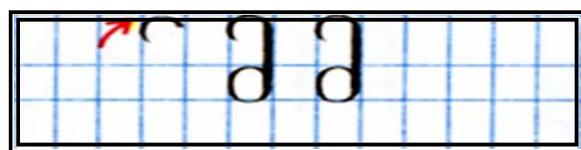
تَلْه

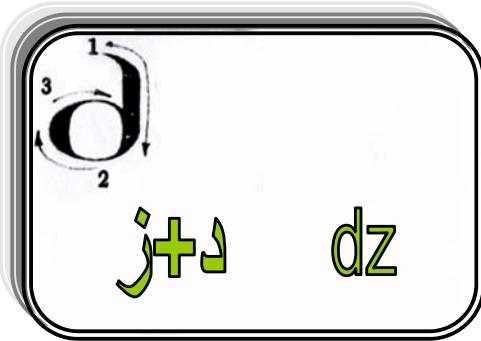
صَدْا

سُوكُومِي (شَهْر زَيْبَايِي در
گَرْجَسْتَان)

ما ماده. ما ماده. چه تجهیزاتی داریم. مانع میتوانیم. که ما
کنمیکیم.

این تله است. این کوه است. این درخت توت بار می دهد.
موسی پدر اوست. صدا شنیده می شود.





d

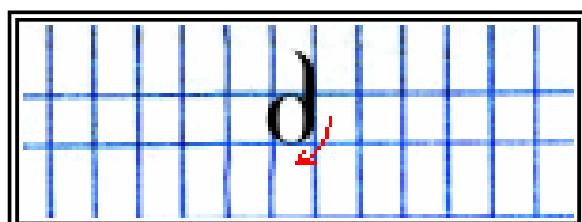
دەن

د ئ ئ

دايى	د اما د
برادر	ب را در
د ايى	د ايى
صدامى زند	ص دا مى ز ن د
پسر	پ سر
او را صدا بزن	ا و را ص دا ب ز ن

اين برا در است. داما د پدر را صدا مى زند. دايى را صدا بزن.

این برادر است. داماد پدر را صدا می زند. دایی را صدا بزن.





ش

شمشاد

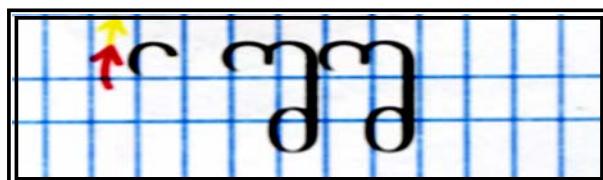
شمشاد

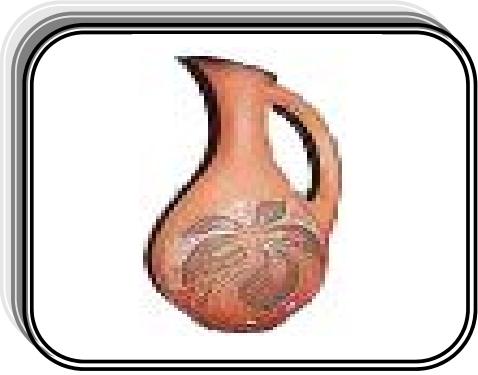
شمشاد

شمشاد	سار
شمشاد	ترس
شمشاد	شیشه
شمشاد	کارگر
شمشاد	انبر
شمشاد	هیزم
شمشاد	وارد شو
شمشاد	اسم پسر

این سار است. این شیشه است. این هیزم است.
شیو به اطاق وارد شو. دایی، شیو کارگر است.

این سار است. این شیشه است. این هیزم است.
شیو به اطاق وارد شو. دایی، شیو کارگر است.





ك

گۈزى

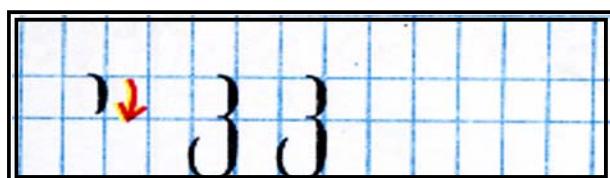
گۈزى

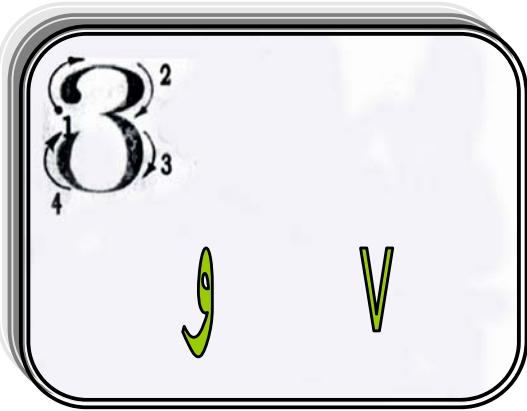
گۈزى

گۈزى	کوزه
سەنديلى	سەندىلى
قاچ	قاچ
يە	يە
طناب	طناب
كىندوي عسل	كىندوي عسل
بله	بله
آكاكى (اسم پسر)	آكاكى (اسم پسر)
مېخك	مېخك

ئىس گۈزى. گۈزى سەنديلى. گۈزى قاچ. گۈزى يە. گۈزى طناب.
بىلەس سەنديلى گۈزى. گۈزى كىندوي عسل. گۈزى بلە. گۈزى آكاكى.
گۈزى مېخك.

آن کوزه است. این قارچ است. این شوید است. این کىندوي عسل است. این طناب است. این سەنديلى چوبى مال آكاكى است. این مېخك آكاكى است. این درخت يە است.





۳

۰۶۳۰

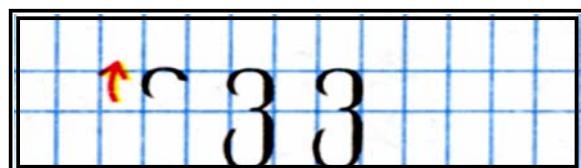
۰۶-۳۰

۰ ۶ ۳ ۰

۰۶۳۰	سیا ه
۰۶۳۰	اردك
۰۶۳۰	سر
۰۶۳۰	دره
۰۶۳۰	کاه
۰۶۳۰	ماه (سی روز)
۰۶۳۰۰۶۳۰	خوشة گندم
۰۶۳۰	مال چه کسی

۰۶ ۰۶۳۰. ۰۶۳۰ ۰۶۳۰. ۰۶ ۰۶۳۰ ۰۶۳۰. ۰۶ ۰۶۳۰.
چه کسی خوشة گندم؟ ۰۶ ۰۶۳۰ ۰۶۳۰؟ ۰۶ ۰۶۳۰ ۰۶۳۰.

این سر است. اردک سیا ه. این خوشة گندم است. این کاه است.
این آدامس از کیست؟ من پیاز را می کارم.





گ

گههه

گه-گه

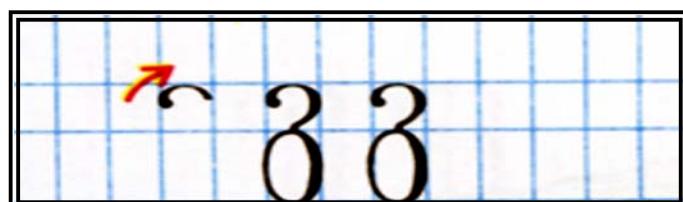
گ گ گ گ

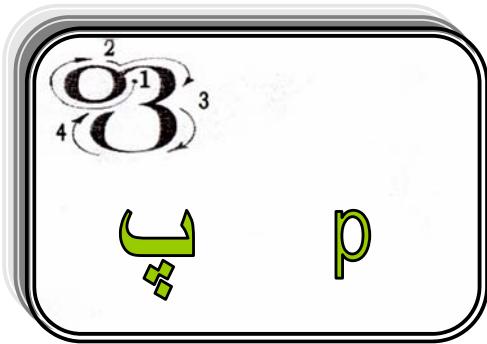
گههه	کشتی
گه-گه	موس
گ	دختر
گهه	جارو می کند
گ	یعنی
گههه	گیگیا (اسم پسر)

گههه. گههه. گههه. گههه.

گههه. گههه. گههه. گههه.

این کشتی است. این موس است. آن دختر است. او جاروب می کند.
کشتی در سوخته است. گیگا کشتی را ساخت.





ڦ

ڻڙڻڙ

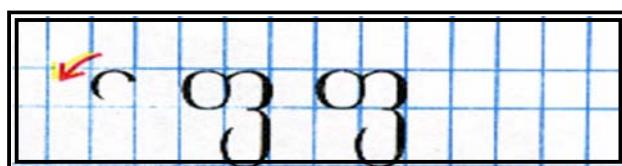
ڻ-ڙ-ڙ

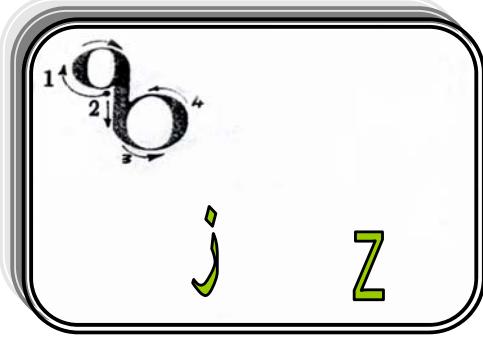
ڻ ڙ ڻ ڙ ۽

ڻ	ريشه
ڙ	نينو (اسم دختر)
ڻڙ	شانه به سر
ڙ	آش
ڻڙڙ	بشقاب
ڙڙ	پلنگ
ڙ	پادشاه
ڙڙڙ	قيمت
ڙڙڙ	رشته نخ
ڙ	پا
ڙڙ	ارزان

وٰس سچفتوٰ تچفڙندا. ٮونوم تونڊندا ٽاٽو ٽاٽو. ٮاس ٽاٽندا ٽاٽندا. ٩و ٽاٽو ٽاٽو. ٮاس ٽاٽندا.

اين بشقاب پاكيزه اي است. نينو قيمت تفنگ را فهميد. پا ي
پلنگ. اين رشته نخ سياه است. او پادشاه است.





ب

۰۱۳۹۰

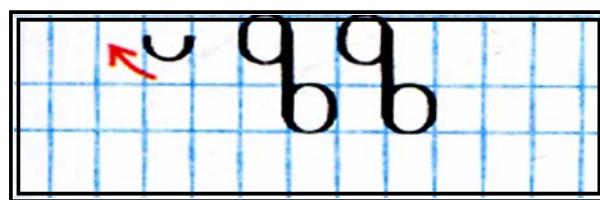
۰۱۳-۹۰

۰ ۱ ۳ ۹ ۰

۰۱۳۹۰	ما هي
۸۹۹	خورشید
۹۹۹	حياط
۸۹۶۰۰	روزنامه
۹۹۲۹۰	بهمن
۹۹۳۹۰	قاشق
۹۹۴۰	مُو
۹۹۵۹۹	زارا (اسم پسر)
۹۹۶۰۰	بالا

ٻڙاڙو ڪاٻئيڙاٿو. ڦاڻڙو ٻڳڙڙ ٻوٽ. ٻاڻڙا ڇڙڻڙو. ٻڙو ٽڙو ٽڙو. ٻڙو ٽڙو ٽڙو.

بهمن خطرناک است. سار روی درخت نشسته است. زازا در حیاط است. زوخي تاس ماهی است. زازا اتاق بالايي را اندازه مي گيرد. اين خورشيد است





ر

دَرَجَةٌ

دَرَجَةٌ

دَرَجَةٌ

مِيلٌ كَنْ

گُوزَنْ

دُوْ

زَنْگَ

گَاوْ مَادَهْ

هَشْتَ

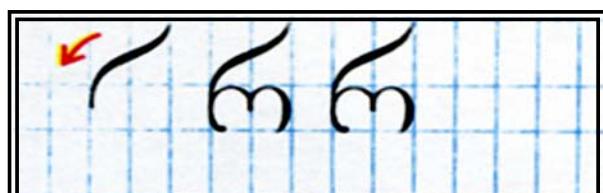
سَفِيدَ

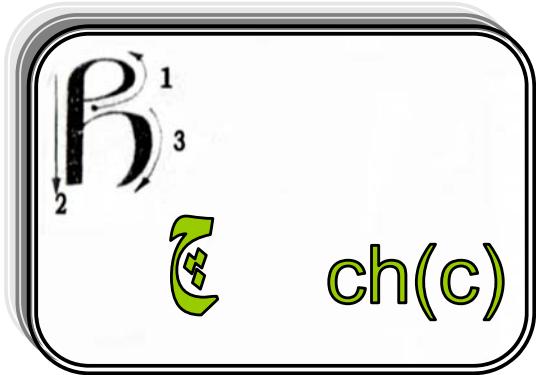
رَضَا

۵۰ درجه ميل گوزن دو زنگ گاو ماده هشت سفيد رضا

۵۱ درجه سفید

هشت گاو ماده. زنگ صدا می کند. رضا با کشتی سفید رنگ مسافت کرد. ما هي ميل بفرما. اين دو گوزن است. اين يك سفره است.





ٻ

ٻڌڻڍ

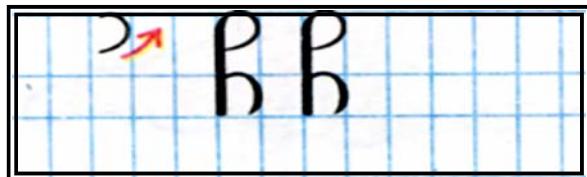
ٻڌ-ڻڍ

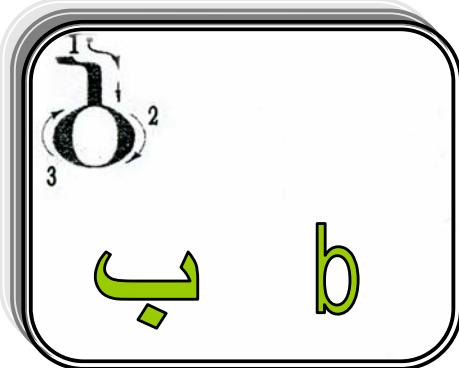
ٻ ڌ ڻ ڍ

ٻڌ	چا ی
ٻڌوڻو	پر زرد آلو
ٻڌڙٻڻ	قب
ڳاڻڙٻڻ	گاومیش
ٻڌڻو	مال من
ڙڻڙٻڻو	پوسته ذرت
سڻڙاڻو	عکس
سڻڙاڻو	می نوشد

هڏماڻ هڙمio سڻڙاڻo هاڻhoo شio هاڻgدا. رهڻo هاio سgدا. هڙڙhهڙhio گامهڻio ساد. هio هڙمio.

پدر، عکس مرا در قاب گذاشت. رضا چای می نوشد.
پوسته ذرت از گاو میش است. قیسی مال من است.





ب b



ب

بـاـرـا

بـاـرـا

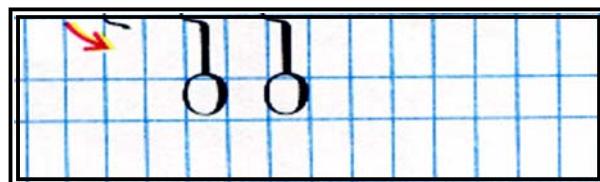
بـاـرـا

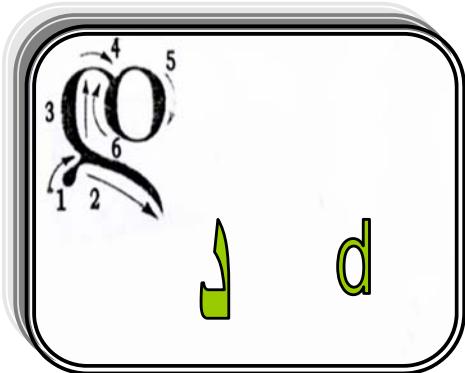
بـاـ	جـغـدـ
بـاـرـا	پـشـهـ
بـاـرـا	بـیـلـ
بـاـرـا	تـوـپـ
بـاـرـا	نـامـهـ
بـاـرـا	قـرـقاـولـ
بـاـرـا	مـادـرـبـزـرـگـ
بـاـرـا	بـچـهـ

بـاـرـاـ مـيـ مـاـمـاـنـدـ. بـاـرـاـ مـيـ مـاـمـاـنـدـ. بـاـرـاـ مـيـ مـاـمـاـنـدـ. بـاـرـاـ مـيـ مـاـمـاـنـدـ.

بـاـرـاـ مـيـ مـاـمـاـنـدـ. بـاـرـاـ مـيـ مـاـمـاـنـدـ. بـاـرـاـ مـيـ مـاـمـاـنـدـ.

مـادـرـبـزـرـگـ بـرـايـ زـمـسـتـانـ كـشـمـشـ رـاـ مـيـ خـشـكـانـدـ. رـضاـ بـهـ اوـ كـمـكـ مـيـ كـنـدـ. بـچـهـ تـوـپـ باـزـيـ مـيـ كـنـدـ. جـغـدـ روـيـ دـرـخـتـ نـشـسـتـهـ استـ. اـينـ قـرـقاـولـ استـ.





گ



۴۵۶۵

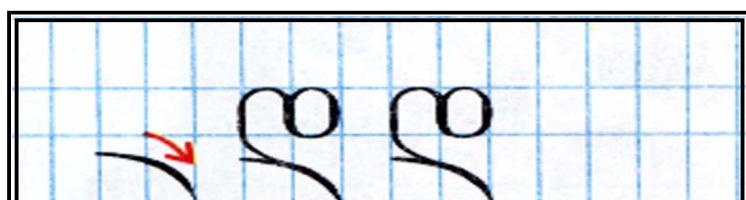
۴۵-۶۵

۴ ۵ ۶ ۵

۴۵۷۵	خته سیاه
۴۵	خواهر
۴۸۰۰۴۵	عمه
۶۰۴۰	پل
۴۹۳۷۸	پرچم
۴۶۴۵	مادر
۷۳۰۴۰	هفت
۵۸۹۱۴۶۸۳	آماده می کند
۶۵۴۵	تور

۴۰ شویل دارند. مامیدا مامیس دارد. دعیدا دعیدیس دارد. ۴۱
بیشهنی داشتند. ماما مادر را روشن کرد. داتو پل را ساخت.

این هفت چاقو است. عمه خواهر پدر است. خاله خواهر مادر است. این پرچم ماست. پدر رادیو را روشن کرد. داتو پل را ساخت.





غ

لِفَافَة

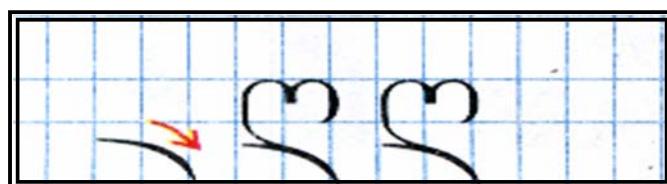
لِفَاف-رَأْيَ

لِفَافَة

لِفَافَة	خد ا
لِفَاف	شب
بَايَفَاف	باغ
لِفَافَه	روز
لِفَافَه ، پِرْجِين	نرده، پرجين
لِفَافَه	دریا
لِفَافَه	گنجشک
لِفَافَه	آواز می خواند
لِفَافَة	خفاش

داتو ملجه‌ریس. لامپورا س لامپویت لسویداوس. لامپس لدن
متسلاجس. ټلۋا لرمادا. ٻاڭشمۇ ٻېڭرۇ دار.

داتو آواز می خواند. خفاش، شب بیدار است. در پی شب، روز است. دریا عمیق است. در باغ، گنجشک زیادی وجود دارد.





ب

بەزىز

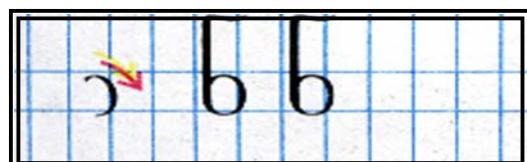
بەزىز

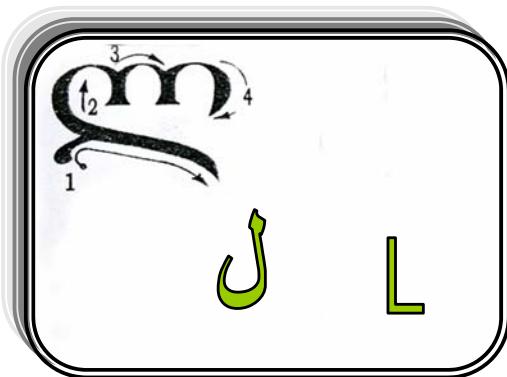
بەزىز

بەزىز	قايق
بەزىز	كج بىل زدن
بەزىز	گھواره
بەزىز	نفت
بەزىز	تنور
بەزىز	نيکو (اسم پسر)
بەزىز	تاكستان
بەزىز	خواب است
بەزىز	انگشت كوچك

تۈرىجى ڈىنلىق، بىزىز ئەزىزلىقنىڭمۇ ئەپىنەزىس، بىزىز ۋەزىزەس تۆشىنىسى.

نفت روشن شد. نيكو در گھواره خواب است.
نيکو در تاكستان بىل مى زند.





ل

لنماد

لنماد

ل ن م د

لنماد	شیر
لنمادر	قوی، قدرتمند
لنگز	انجیر
لبل	میوه
لند	تابستان
لندن	آواز می خواند
لندن	مفید
لندن	می غرد

لنماد نماینده لام است. لام بمعنی قوی و قدرتمند است. لام میوه خوشمزه ای است. لام میوه مفید است. برف در زمستان می آید. پس در تابستان چه می آید؟ (می بارد) لندن نماینده لند است. لند آواز می خواند. لندن می غرد.

شیر قوی است. بلبل آواز می خواند. خروس می دود. شیر می غرد. انجیر میوه خوشمزه ای است. سیب میوه مفید است. برف در زمستان می آید. پس در تابستان چه می آید؟ (می بارد)





ق

پاپاھم

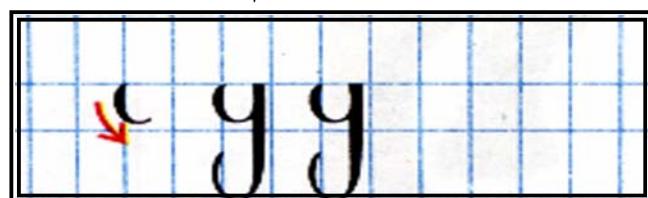
پا-پا-ھم

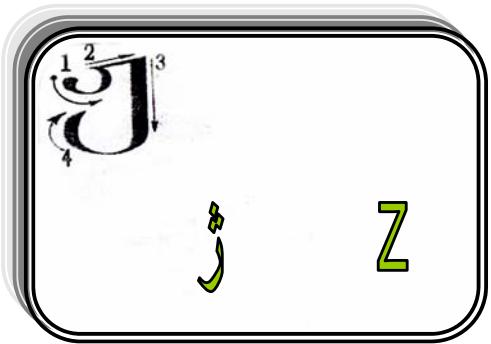
پا پا پا ھم

پاپاھم	شقایق
پنیر	پنیر
پورباقه	پورباقه
کلاع	کلاع
گل	گل
د وست دار	د وست دار
تمشك	تمشك
قوقولی قوقو می کند	قوقولی قوقو می کند
غارغار می کند	غارغار می کند
مزرعه ، گندمزرعه	مزرعه ، گندمزرعه

پاپاھم پاپاھم پاپاھم. پاپاھم پاپاھم پاپاھم. پاپاھم پاپاھم پاپاھم. پاپاھم پاپاھم پاپاھم. پاپاھم پاپاھم پاپاھم.

شقایق گل است. کلاع غارغار می کند. خرس قو قولی قوقو می کند. کلاع پنیر را دوست دارد. تمشك خوشمزه است. من وطنم را دوست دارم.





ز

زهاراڻو

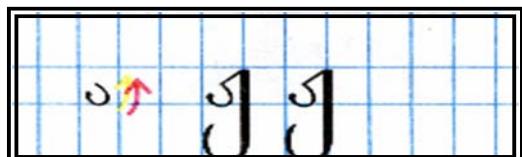
زهاراڻو

زهاراڻو

زهاراڻو	زرافه
بلند	بلند
گاراڙ	گاراڙ
طلوع کرد	طلوع کرد
ترش	ترش
پسر، جوانمرد	پسر، جوانمرد
لحظه، زمان	لحظه، زمان
مته (اسم پسر)	مته (اسم پسر)

زهاراڻو مادلاڻياد. مادجاڻو مجاڻو. گاراڙو ماتجهسونا.
ورويچڙاڻو. هيومنا ڙوچڙوچڙو.

زرافه بلند است. ترش است. گاراڙ مال متہ است. طلوع کرد.
گنجشك جيڪ جيڪ مي کند.





پ

پروانه

پروانه

پروانه

پروانه

نان

فیل

پدربرزگ

داستان

کیسه، پاکت

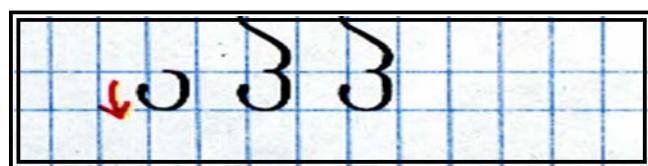
پاوله (اسم پسر)

تره

آوریل

پروانه پر از شجاع یوسف. پارک آن را بزرگ و زیبا می‌نماید. پاوله
پر از شجاع یوسف. پر از شجاع یوسف. پر از شجاع یوسف. پر از شجاع یوسف.

پروانه روی تره نشسته است. پیراهن پدربرزگ زیباست. پاوله
در کلاس اول است. در پارک وحش فیل بزرگی است. در کیسه نان
بگذار.





ڦئڻو

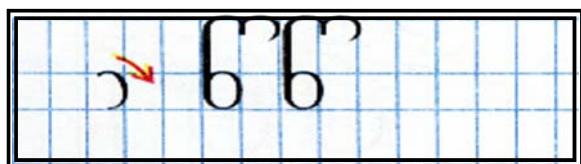
ڦئ-ڙئ

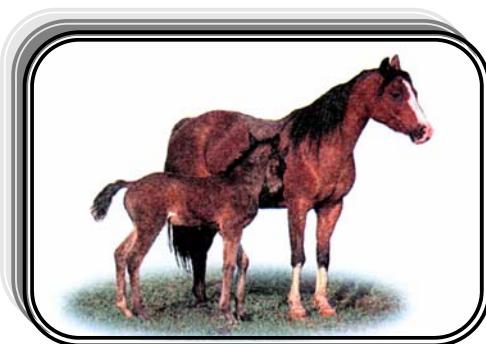
ڻ ڦ ڙ ڻ

ڦئڻو	لک لک
ڦئڻو	ماست
ڦئڻو	دقیقه
ڦئڻو	جوچه
ڦئڻو	مزه
ڦئڻو	دارو
ڦئڻو	نویسنده
ڦئڻو	پرندہ

ڦئڻو ڽریونو ڽاڻو. ڦئڻو ڽاڻو ڽئڻو. ڦئڻو ڽئڻو ڽئڻو. ڦئڻو ڽئڻو ڽئڻو. ڦئڻو ڽئڻو ڽئڻو.

لک لک پرندہ است. جوچه جیک جیک می کند. ماست ترش است.
باران می بارد. بیمار دارو را خورد. پاوله آب چشمہ را می نوشد. یاکوب گوگباشویلی نویسنده کودکان است.





B

بَيْهَوَدَة

بَيْهَوَدَه

بَيْهَوَدَه

بَيْهَوَدَه	اسب
بَيْهَوَدَه	آبی
بَيْهَوَدَه	آسمان
بَيْهَوَدَه	زن
بَيْهَوَدَه	اشک
بَيْهَوَدَه	اسم دختر
بَيْهَوَدَه	مشهور
بَيْهَوَدَه	گوسفند
بَيْهَوَدَه	چوپان

تَعْتَرِّفُ بَيْهَوَدَهِ لَمَّا شَرَحَهُ مُهَاجِرٌ إِلَيْهَا. بَيْهَوَدَهِ لَمَّا شَرَحَهُ مُهَاجِرٌ إِلَيْهَا. يَوْمَ الْجَمْعَةِ، كَانَتْ بَيْهَوَدَهُ تَعْتَرِّفُ بَيْهَوَدَهِ لَمَّا شَرَحَهُ مُهَاجِرٌ إِلَيْهَا. فَكَانَتْ بَيْهَوَدَهُ تَعْتَرِّفُ بَيْهَوَدَهِ لَمَّا شَرَحَهُ مُهَاجِرٌ إِلَيْهَا.

اسب سفید زیباست. آسمان، آبی رنگ است. یخ سرد است. چوپان گوسفند را می‌راند. روی چشم تسیرا اشک است. امام خمینی(ره) شخصیت مشهوری است.





t

ط (بدون دَمِش)



٦

ٿوڙڻ

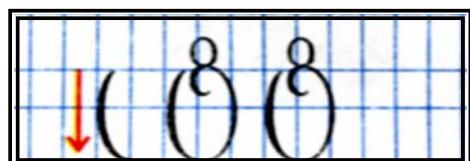
ٿوڙ-ٿو

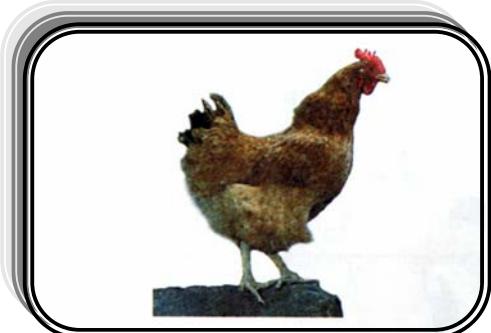
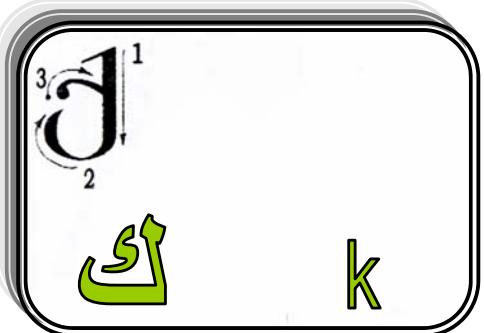
ٿ ۾ ٿ ۽ ٿ

ٿوڙڻ	شيرينى
ڪڻ	شاعر
ڳڻ	گربه
سڻ	كلمه
ٿڻ	آلوجه
ڙڻ	کوچك
ٿاريل	(اسم پسر)
ٿلوڙيون	تلوزيون

ڦوڙوڙوڙا ڦاڙوڙوڙا. ڦڻڻڻڻڻا ڦڻڻڻڻا. ڦڻڻڻڻڻا ڦڻڻڻڻڻا. ڦڻڻڻڻڻا ڦڻڻڻڻڻا ڦڻڻڻڻڻا. ڦڻڻڻڻڻا ڦڻڻڻڻڻا ڦڻڻڻڻڻا. ڦڻڻڻڻڻا ڦڻڻڻڻڻا.

ڪاڪلي آواز مي خواند. آلوجه ترش است. بچه با تلفن صحبت مي کند. تاريل کوچك با گربه بازي مي کند. آوتانديل دوست تاريل مي باشد. خيام شاعر مشهوري است.





ک

گلستان

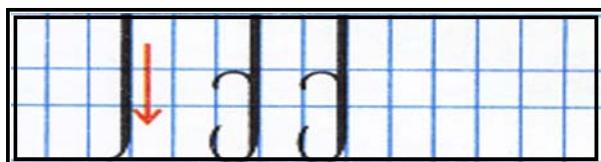
گلستان

گلستان

گلستان	مرغ
گل	باد
گلستان	شهر
گلستان	کمربند
گلستان	گرجستان
گل	باز
گلستان	شتر
گل	جو
گلستان	کاغذ
گلستان	شهری در گرجستان
	تسخینوالی

مجهلدا چهاتا میں گپا رہے ہوں۔ تہلکوں سیں ۱۹۷۰ءی گلستان کے نام سے ڈیکھا جائے گیا۔ سونکھی میں ۱۹۷۰ءی گلستان کے نام سے ہر توں لے اٹھا گیا۔ ۱۹۷۰ءی گلستان کے نام سے ۱۹۷۰ءی گلستان کے نام سے ہر توں لے اٹھا گیا۔

روباہ در کمین مرغ است. تفليس پایتخت گرجستان است. سو خومی شهری زیبا از گرجستان است. تسخینوالی هم مال گرجستان است.





ك

ج (بدون دمث)



ك

كوفا

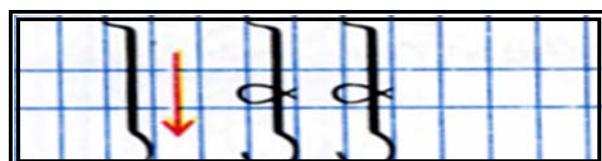
كوف

كوفا

كوفا	ليوان
كوف	سقف
كوفاكولي	مورچه
ك	چاه
كوفاكوف	جيوجيرك
كوفاكولي	چوندر
كوفاكولي	ظرف
كوفا	خوردن
كوفاكولي	زرد آلو
كوفا	عقل
كوفاكولي	زاغ

كوفا کیفیت داشته باشد. کوفا شو گویا بوده و بسته بوده باشد. کوفاكولي بسته بوده باشد. کوفاكولي بسته بوده باشد. کوفاكولي بسته بوده باشد. کوفاكولي بسته بوده باشد.

ليوان ظرف است. در چاه، آب سرد است. زرد آلو میوه است. زاغ پرنده است. مورچه کارکردن را دوست دارد. او نان می خورد.





ج dj



خ

خوب

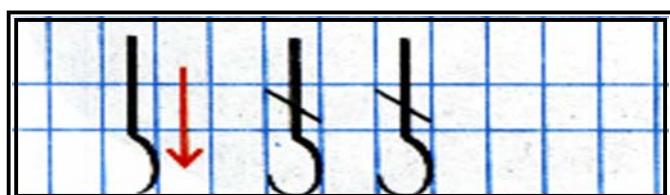
خوب

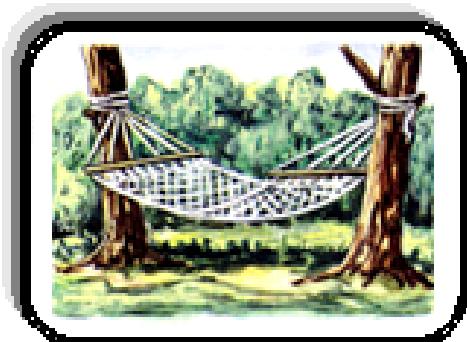
خوب

خوب	عصا
خیلی	گندم زار
خوار	قاطر
خود	جابا (اسم پسر)
خواری سپاه	سر باز
خوش	گستاخ
خوب	فن جان
خوب	جانور
خود	نشستن

خواری خوبی و کمال است. خیلی گندم زار است. خوار قاطر است. خواری سپاه سرباز است. خوش گستاخ است. خوب فنجان است. خوب جانور است. خود نشستن است.

قاطر، حیوان جسوری است. گندم زار . جام ظرف است. مرد پیر عصا را همراه دارد. پل بر سطوح ممکن است. فنجان ظرف چای است.



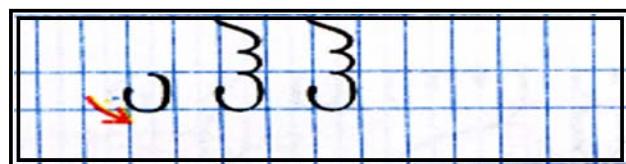


ه

گهواره

گهواره یکی از پر ازدواج‌ترین کلمات فارسی است. ساختار آن بسیار ساده است و متشابه با کلماتی مانند "گل" و "گل" است. همچنان که در اینجا مشاهده می‌شود، گهواره از دو حروف "گ" و "ه" تشکیل شده است.

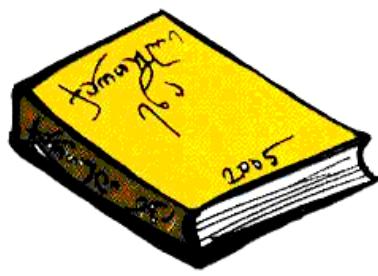
در روستایی ما هوا ی خوب است. شهر مهم آذربایجان، سوخته است.



რა ჰქვია ქართულად?



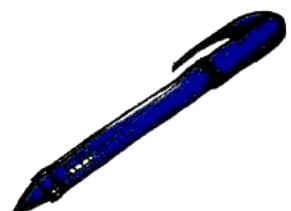
ჩანთა



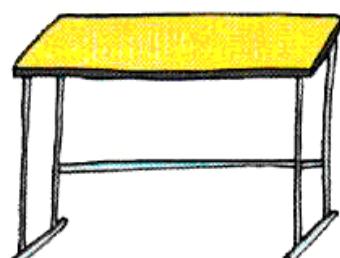
წიგნი



რვეული



კალამი



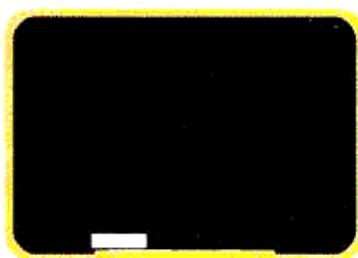
მერხი



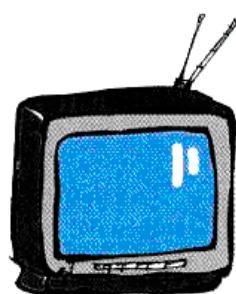
მაგიდა



სკამი



დაფა



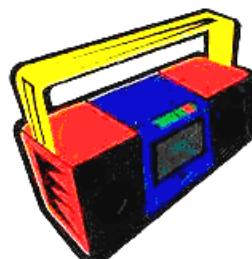
ტელევიზორი



კომპიუტერი

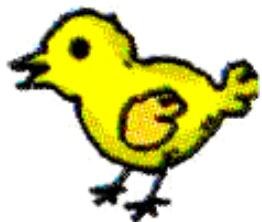


ტელეფონი

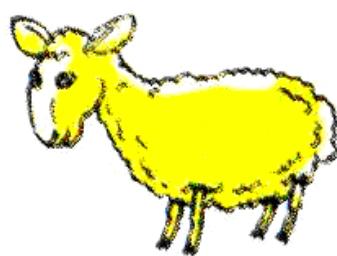


მაგნიტოფონი

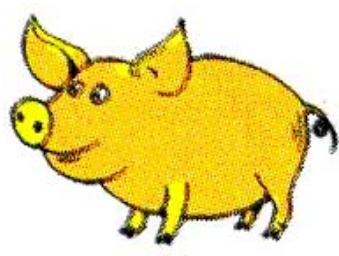
რა ჰერთა ქართულად?



წიწილა



ცხვარი



ღორი



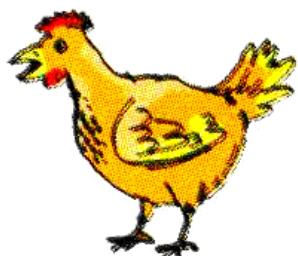
იხვი



კატა (ციცა)



ლეპვი



ქათამი



თხა



ძაღლი



ძროხა



ინდაური



მამალი

რა ჰქვია ქართულად?



ბოლოკი



წიწაკა



კარტოფილი



კიტრი



კომბოსტო



ყურძენი



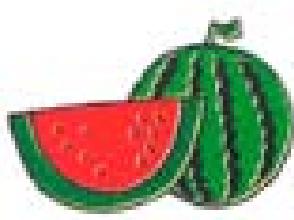
მარწყვი



მსხალი



პომიდორი



საზამთრო



სტაფილო



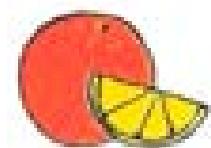
სოკო



ლობიო



ქლიავი



ფორთოხალი

რა ჰქვია ქართულად?



კალათი



გალია



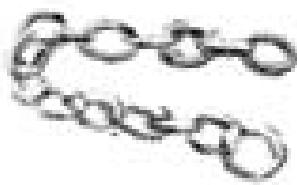
ბოქლომი



ცელი



ფოცხი



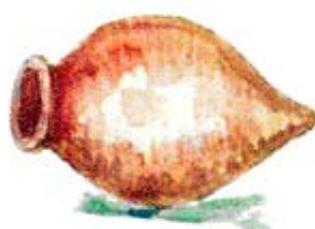
ჯაჭვი



ყანწი



ნამგალი



ქვევრი



საცერი



ტაფა



ქამარი

რას აკეთებს?



ის წევს.



ის იბანს.



ის ქსოვს.



ის ხნავს.

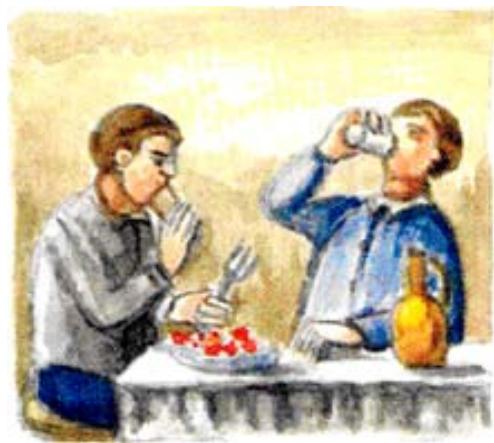


გოგონა წიგნს კითხულობს.



ბიჭუნა ყურძენს კრეფს.

რას აკეთებენ?



ისინი ჭამენ.



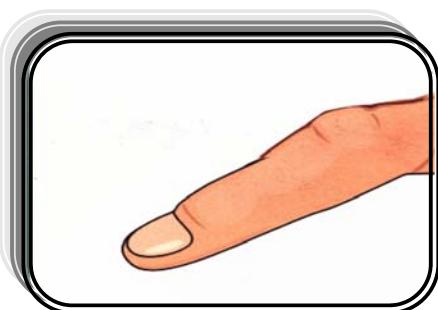
ისინი ხერხავენ.



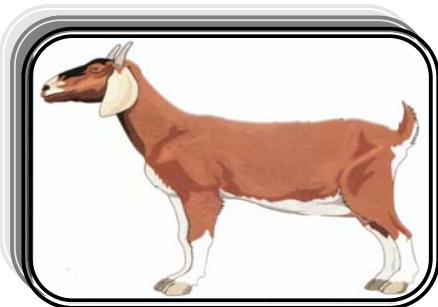
ისინი თიბავენ.

დაწერეთ, რა არის აქ დახატული











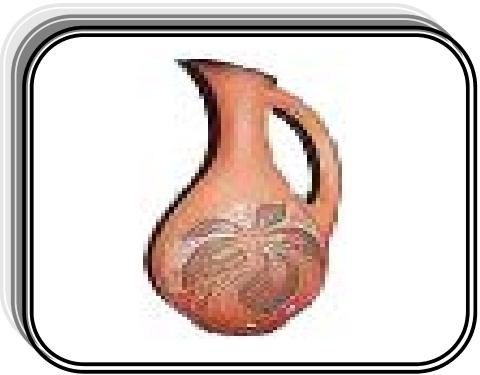




















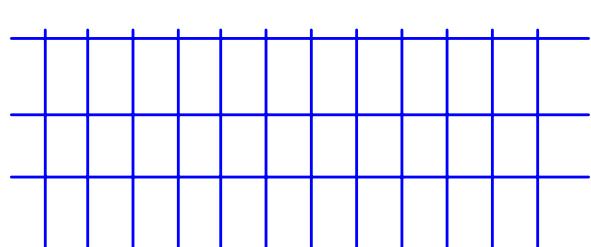
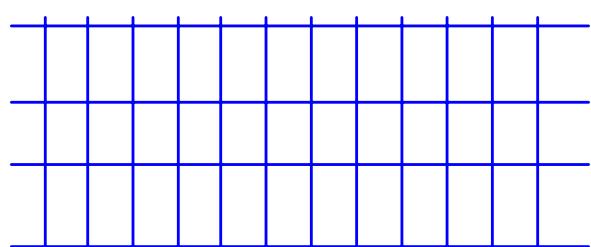
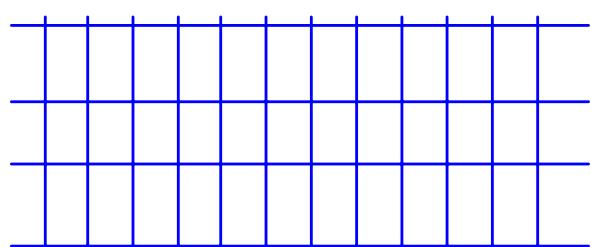
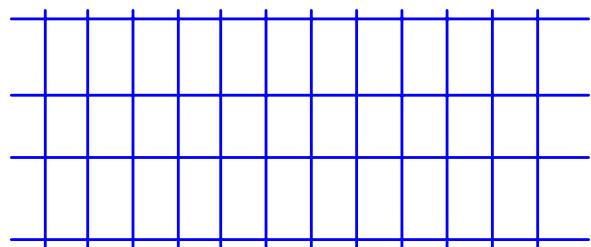
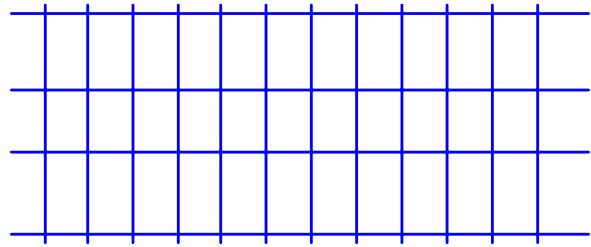












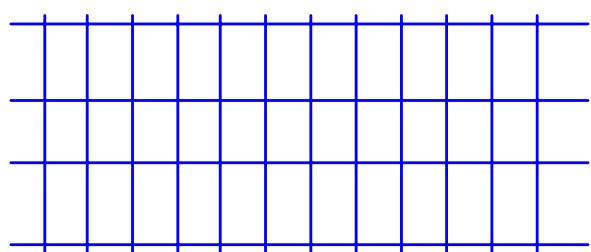
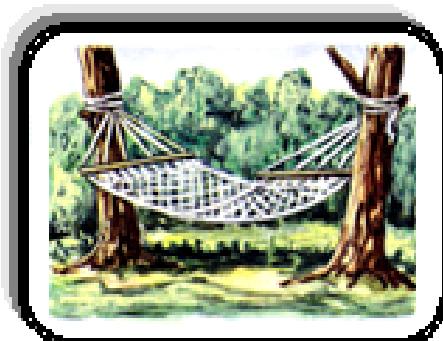
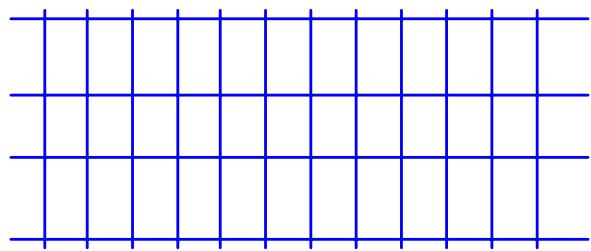
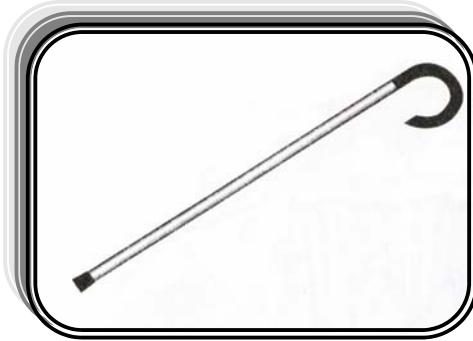












نىڭەسەنە

خويشانىدى

دەرىجىمۇ	مادر من
مامىتىجىمۇ	پدر من
كەممىتىجىمۇ	برادر من
خەممىتىجىمۇ	خواهر من
بىنەتىجىمۇ	عموی من
دەرىجىتەتىجىمۇ	خاله من
مامەتەتىجىمۇ	عمه من
بىنەتەتىجىمۇ	زن عمو
دەرىجىتەتىجىمۇ	فرزند برادر
دەرىجىتەتىجىمۇ	فرزند خواهر
بىنەتەتىجىمۇ	فرزند عمو
مامەتەتىجىمۇ	فرزند عمه
دەرىجىتەتىجىمۇ	فرزند خاله
رەنمەتىجىمۇ	عروس
خەنەتىجىمۇ	خواهر شوھر
ماڭەتىجىمۇ	برادر شوھر
كەنەتىجىمۇ	باچناق
سەيدىجىمۇ	داماد
سەيدەتەتىجىمۇ	مادر عروس
سەيمەتەتىجىمۇ	پدر عروس
بەنەتەتىجىمۇ	پدر مادر همسر فرزند
بەنەتىجىمۇ	مادر بزرگ
بەنەتىجىمۇ	پدر بزرگ
شەنەتەتىجىمۇ	نوھ
شەنەتەتەتىجىمۇ	نتىجه
غەرمىزىجىمۇ	ناتىقى

مۇقۇرۇغۇزىمىتىپىكى مختصرى در مورد دستور زبان

من - ما
تو- شما
او - ايشان

من هستم - ما هستىم
تو هستى - شما هستىد
او هست - آنها هستند

چە كسى هست او - چە كسانى هستند آنها
زىن ارىس ئىس؟ - زىن ارىدا ئىسىنى؟.

اسم من هست-اسم تو هست
اسم او هست-اسم آنها هست
اسم ما هست-اسم شما هست

مۇغۇرۇغۇزىپىكىم	من بازى مېكىنم
مۇغۇرۇغۇزىپىكىنى	تو بازى مېكىنى
ئىس ئەمەنلەپس	او بازى مېكىندى
مۇغۇرۇغۇزىپىكىم	ما بازى مېكىنىم
مۇغۇرۇغۇزىپىكىنىد	شما بازى مېكىنىد
ئىسىنى ئەمەنلەپجۇر	آنها بازى مېكىنىندى

مۇغۇرۇغۇزىپىكىم	من دارم
مۇغۇرۇغۇزىپىكىنى	تو دارى
ماداس ئەڭۋەس	او دارد
مۇغۇرۇغۇزىپىكىم	ما داريم
مۇغۇرۇغۇزىپىكىنىد	شما داريد
ماداس ئەڭۋەت	آنها دارند

اينجا	مۇغۇرۇغۇزىپىكىم
آنجا	مۇغۇرۇغۇزىپىكىنى
اين طرف	ماداس ئەڭۋەت
آن طرف	ماداس ئەڭۋەت

٥٦٩١٩٦٦٠ ضرب المثل

پاپا لس می خریم مونه بانشون.

ساز و يراق، دهن می آورد.

تیزه بی تا زیده بی یاری خوده باش.

ماهی از سر گنده گردد.

ساختمانه لیو پاچرمه بی یاری خوده باش.

مال شبیه صاحب خود می گردد

بیوت تو تو شیو یاری خوده بی یاری خوده باش.

میان پنج انگشت، دو انگشت هم برابر نیستند

جندل کلیمیه بی یاری خوده باش.

بر زبان قفل غی تو ان نهاد.

عجاک شمشاد داشتی دا عجاک شمشاد داشتی.

بی شام جواب و بی بدھی برخیز.

مکله کاریه بی یاری خوده باش.

عجول دیر می کند.

پا لدلویه کاریه بی یاری خوده باش.

دم سگ راست غی شود.

شیخه لیو ستویه یا فکه لیوی یا موتا ریا.

برای برھنه، تابستان هم همانند زمستان است

کاری کاری ساده تکیه، ساختمه تریکه سیم.

آدمی از آدم تعریف می کرد و کار از هر دو



گویندیں بیکاری اور چند دیگر کا کہاں کہاں۔
از لگد زدن خر نباید ناراحت شوی

گذشتیں کے کچھ بڑے، گذشتیں کے کچھ بڑے۔
احتیاج را نشانم بده تا فرار را نشانت بدھم

فرات کوڈتہ اور ٹھیکنہ اور ٹھیکنہ۔
مادران ختاط غی گریند

خداوندی کا موت کا موت۔
تابستان کارگر زمستان است

آج اور اسی کا کچھ بڑا، آج اسی کا کچھ بڑا۔
آنچہ حق تو نیست، بر تو گوارا خواهد بود

کھلیں اپنے کھلے، کھلے کے کھلے۔
گنجشک می خواست پرواز کند، و تنہا منتظر
کیش کردن بود

بدھوں کا کھلیں سیاہ ماریں دھوکھا۔
رؤیا می مرد پیر ہم باور کردنی است

دھوکھا دھوکھا دھوکھا۔
آتش بزرگ دم بزرگ می خواهد

دیگر کا کھلے کھلے کا کھلے کا کھلے۔
شراب پیدا نہی شد، شیاطین شکم خود را خیس می
کر دند

خوب کا کھلے کھلے کا کھلے کا کھلے۔
چون چوب را بہ دست گیرند، گربہ دزدہ پنهان
می شود۔

لَوْمَهُ دَأْبَرَهُ دَوْ زَوْمَهُ بُنْكُرَهُ.
شیر پیر شد و خر به او جفتک انداخت.

عَزَّرَهُ بِنَهُ سَوْغَارَهُ لَوْمَهُ كَوْنَهُ دَنَهُ.
به عشق انگور پرچین را بوسه می زندنده.

سَهَّلَهُ تَهَّلَهُ، زَوْرَهُ بَهَّهُ رَجَهُ شَهَّهُ دَهَّهُ
گَلَهُ دَسَّهُ بَهَّهُ مَهَّهُ بَهَّهُ.

زَنَگَ گَفَتْ: تَاهَنَ آهَنَ رَاهَنَهُ، دَرَدَ، دَلَ رَاهَنَهُ
بارَ مَزَهُ وَخَورَدَهُ اَسْتَ.

پَأْطَهَرَهُ لَرَهُ بَهَّهُ دَهَّهُ سَهَّلَهُ بَهَّهُ
ابَرَهُ خَرَدَهُ تَگَرَهُ نَكَنَهُ مَيَّهُ آورَدَهُ.

بَهَّهُ لَهُ رَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ، دَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ
آبَ کَهَ درَ گَوَدَالَ مَيَّهُ مَانَدَ، مَيَّهُ گَنَدَهُ.

بَهَّهُ لَهُ رَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ
با غَرَبَالَ نَيَّهُ شَوَّدَهُ آبَ رَاهَنَهُ.

بَهَّهُ لَهُ رَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ
آنَکَهَ با گَرِيَهَ کَاشَتَ با شَادَيَ دَرَوَ خَواهَدَ کَرَدَهُ.

بَهَّهُ لَهُ رَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ
بَادَ آورَدَهُ رَاهَنَهُ بَادَهُ مَيَّهُ بَرَدَهُ.

بَهَّهُ لَهُ رَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ
پَيَشَ درَدَ سَرَ فَرَودَ نِياورَ، بَيَشَتَ برَ توَ مَسْلَطَ مَيَّهُ شَوَّدَهُ.

بَهَّهُ لَهُ رَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ دَهَّهُ
زَ گَهَوارَهَ تَاهَنَ گَورَ دَانَشَ جَوَيَ

მიწა რო მაგარი შაჰედა ხარი ხარის თოლით დაინახავს

სომებმა გადააგდო უღელი – მოკლა კურდღელი

სომებმა რო სოფელი უძალლო ნახოს, უჯოხო ივლის

მელას რო ჩონ საბძელში ბარტყები დოუყრია, ამ ჩონ
ძალის გლახობით არიო

ციცა სადა და ყაორდას ჭამა

თხას მაჟედვენ და რძეს მაჟთხოვენ

ქურთი რო დაბერდა ნახირს გაარეუინებენ

ავდუშავ თავზე დემეცემის, დავდუშავ, ფეხზე დემეცემის

მეწისქილე შიმშილით მოკდა, ხალხი ამბობს, ფაფის
გახეთქილიათ

მებმარე რო მეგებმარო

გედაიას თელ პური უჭირებისო

سەڭەنەپەرەم مکالىه و گفتگو

«مەعرىفي و احواللىپرسى» مۇسىەلەمەپەدا دە گەزىنەپەدا

غەمەرچىنەپە!	سلام
غەغىمەرچىنە!	عليكم السلام
ئەنچىنە ئەن?	حال شما چطور است؟
غەمەرچىنەپە، گەرگەد!	مەتشكىرمە، خۆمە
شەن ئەنچىنە ئەن?	شما چطورىد؟
مەن ئەنچىنە مەنىشىز.	من هم بد نىستم
ئەنچىنە ئەن?	اسىم شما چىست؟
مەن ئەنچىنە سايدى.	من اسىم سعىد است
ئەنچىنە شەنەنە ئەمەس?	اسىم براذرەت چىست؟
ئەمەنە ئەمەس ئەنچىنە رەبىم.	اسىم براذرەم رضا است
ئەنچىنە ئەنچىنەپە، مۇتەنەرىت تەنچىنە ئەنچىنە!	اگر مەكنەن است اسەستان را به من بگويمىد
ئەمەنە ئەنچىنە ئەنچىنە!	اسىم من نىكىو است
مەلەنە ئەنچىنە ئەنچىنە!	بىسياز خوشبختىم
ئەمەنە ئەنچىنە ئەنچىنە سەنسىامۋەنە ئەنچىنە غەزىنەپە!	براي من هم شناختن شما بىسياز مايە خوشبختى است
شەن ئەنچىنە ئەمەنە ئەنچىنە?	آيا تو براذرەم را مى شناسى؟
مەلەنە ئەنچىنە ئەنچىنە.	بىلە من او را مى شناسىم
ئەنچىنە ئەنچىنە ئەن?	نام خانوادگى شما چىست؟
مەلەنە ئەنچىنە ئەنچىنە.	من مولىيانى هىستم
تەنچىنە ئەنچىنە ئەنچىنە ئەن?	نام خانوادگى ھمسىر شما چىست؟
ئەمەنە ئەنچىنە ئەنچىنە ئەنچىنە.	نام خانوادگى ھمسىر من يوسلىيانى است
ئەنچىنە ئەنچىنە ئەنچىنە ئەنچىنە غەزىنە ئەنچىنە ئەنچىنە ئەنچىنە!	آقا مەكنەن است نام خانوادگىتان را به من بگويمىد؟

نام خانوادگی من خودسیانی است	مې ڭۈەرەدە ۋە چۈپىشلىقى ۋات.
ملیت تو چىست؟	ئە گۈنگۈزىدە ئە ئە؟
من ایرانى هستم	مې ئەرەبەنەلە ۋات.
آيا تو گرجى هستي؟	شەن گۈرەتۋەلە ۋات.
بله من گرجى هستم	دۇدا، مې گۈرەتۋەلە ۋات.
چند ساله هستي؟	ئەمەن بىلە ئە ئە؟
من چهل ساله هستم	مې ئەرەبەنەلە ۋات.
برادر كوچكت چند سالش است؟	شەن ئەمەن بىلە ئە ئە؟
برادر كوچك من بىست ساله است	ئەمەن بىلە ئە ئە.
كى متولد شدى؟	ئەمەن بىلە ئە ئە؟
من در سال 1970 متولد شدم	مې داۋىدە 1970 ئەلە
سال تولدتان را به من بگويند!	مۇتەباھىت تەنەن داۋىدە بىلە ئە ئە!
سال 1968	1968 ئەلە.
كجا متولد شدى و كجا بزرگ شدى؟	ساد داۋىدە دا ساد غاۋىدە ئە ئە؟
من در فريدونشهر متولد و بزرگ شدم	مې داۋىدە دا غاۋىدە ئە ئە ماڭىزىمۇنى.
تو كجايى هستي؟	شەن سادچۈرى ئە ئە؟
من اهل بوئين و مياندشت هستم	مې ئەرەبەنەلە ۋات.
كجا زندگى مى كنى؟	ساد قىزىمۇنى?
من در مياندشت زندگى مى كىنم	مې قىزىمۇنى ئە ئە.
تو كجا زندگى مى كنى؟	شەن ساد قىزىمۇنى?
من در فريدونشهر زندگى مى كىنم	مې قىزىمۇنى ماڭىزىمۇنى.
از طرف من به دوستان سلام برسانيد	ئەمەن بىلە ئە ئە دەنەنەن غەلە ئە ئە.
حتماً سلام مى رسانىم.	دەنەنەن بىلە ئە ئە دەنەنەن غەلە ئە ئە.
-حال من دىگە بايد بروم دىگە دير است	دەنەنەن بىلە ئە ئە دەنەنەن غەلە ئە ئە.

დიდი მადლობა ასეთი თბილი შეხვედრისათვის.	به خاطر این ملاقات گرم بسیار متشرم
ნახვამდის, კარგად იყავით. კარგად იყავით, მოკითხვა მეგობრებს.	به امید دیدار خوش باشد خوش باشد به دوستان سلام برسانید

შეხვედრა

مقالات (დیدარ)

საღამო მშვიდობისა!	عصر بخیر
საღამო მშვიდობისა! მობრძანდით!	عصر بخیر بفرمائید
როგორ ბრძანდებით?	چطور یکی؟ (حال شما چطور است؟)
გმადლობთ, კარგად. თქვენ როგორ ბრძანდებით?	متشرم، خوب شما چطور هستید؟
კარგად.	خوب
მაპატიეთ, რომ დავიგვიანე (ბოდიშს ვიხდი დაგვიანებისათვის).	ببخشید که دیر کردم (به خاطر دیر کردن عذر می خواهم)
რას ბრძანებთ! არა უშავს.	چه می فرمایید! عیبي ندارد
შემობრძანდით ოთახში!	به اتاق تشریف بیا ورید
გაიცანით ჩემი მეგობარი!	دوستم را بشناسید
ძალიან სასიამოვნოა!	بسیار خوشوقتم
გმადლობთ.	متشرم
რას მიირთმევთ?	چه میل می فرمایید؟
ნუ შეწუხდებით!	زحمت نکشید
ცხელ ხინკალს მოგართმევთ, ძალიან გემრიელია.	خینکالی داغ برایتان می آورم، خیلی خوشمزه است
გმადლობთ, უკვე გეახელით.	بسیار متشرم، من خورده ام
მოხარული ხბოს ხორცი მიირთვით.	گوشت پخته گو dalle میل بفرمائید
შემწვარ ხორცს არ ვჭამ.	گوشت پخته را نمی خورم

میمانت میزت هاوس؟	چای میل می فرمائید؟
گمایشلوبت!	متشکرم (بله)
تکنیک ها ن را آمده اند؟	پیش شما چه خبر هاست؟
آرایه را گذشته بدهیم.	چیز خاصی نیست
بهترین آمده اند باشد به	یک خبر ناخوشایند
آمده اند؟	تو بگوی
آن میل میزد؟	چه اتفاق افتاده است؟
میل سه سه گذرد میزد!	دایی سوسو فوت کرد
آن میل سه سه اند! میل میزد!	این چه خبری بود خیلی ناراحت شدم
کارگر گذاشت، آرایه میزد.	مرد خوب، محترم و با فرهنگی بود
سازمانی اند؟	آیا تو رد خانه او بودی؟
آرایه میزد، میل میزد.	یکبار، فرد ا برای خاکسپاری می روم
آن میل میزد.	من هم حتماً می آم
کارگر گذاشت!	خوب، تا فردا

لکچر

«زمان»

دوام	شب
دوام	ثانیه
دوام	صبح
دوام	دقیقه
دوام	عصر
دوام	ساعت
دوام	حلا
دوام	روز
دوام	دیروز
دوام	هفته
دوام	فرد ا
دوام	ماه

گۈشىنلىك	پریروز
ئەلەنلىك	فصل
ۋەقىخانى	پس فردا
ئەلەن	سال
ئەلەنلىك	پارسال
سادۇرىنىڭ	قرن
ئەلەنلىك	پير ارسال
اەرىجى	زود
غۇيىن	دیر

ئەلەنلىك سال

گۈنچەلەنلىك	بهار
ئەمەنلىك	تابستان
ئەمەنلىك	پائيز
ئەمەنلىك	زمستان

ئەلەنلىك دىنەر

ئەمەنلىك	دوشنبه
ئەمەنلىك	سه شنبه
ئەمەنلىك	چهارشنبه
ئەمەنلىك	پنجشنبه
ئەمەنلىك	جمعه
ئەمەنلىك	شنبه
ئەمەنلىك	يىكشنبه

تاریخ

«ماهای سال»

1. օճարո	January	دی
2. տեղերզալո	February	بهمن
3. մարտ	March	اسفند
4. ապրիլ	April	فروردین
5. մայս	May	اردیبهشت
6. օցնուս	June	خرداد
7. օցլուս	July	تیر
8. օգոստ	August	مرداد
9. սեպտեմբեր	September	شهریور
10. ռյունիս	October	مهر
11. նոյեմբեր	November	آباد
12. դեկտեմբեր	December	اذار

ساعت و تاریخ

رورمیل սաاتուա?	ساعت چند است؟
რა დროა?	چه وقت است؟
რა հունվար?	چه تاریخی است؟
დღეს რა დღეა?	امروز چه روزی است؟
დღეს 14 ապրիլու.	امروز 14 آوریل است
დღეს 30 նոյեմբեր.	امروز دوشنبه است
ცերա սաاتուա.	ساعت 9 صبح است
ორու նաხըզարուա.	ساعت 1:30 بعد ظهر است
ცերա 55 8:55.	ساعت 8:55 است
ჩემու սաاتու 9:30.	ساعت من دقیق است

«مسافرت با اتوبوس»

تبدیلیس‌شی از تاکسی
می‌روم
می‌گردیم.

چه وقت؟

فردا صبح به همراه
دوستان می‌روم
از خیابان روانی

اتوبوس از کجا حرکت
می‌کند؟

از خیابان روانی

بهای بلیط چقدر است؟
سه لار

مهما نسرا را تهیه کرده
اید؟

بله، یک شماره را رزرو
کرده ایم

خوب، استراحت خوبی را
برایت آرزومندم

«مسافرت با هواپیما»

به کجا پرواز می‌کنید؟

به تهران

ثبت نام را
گذرانید اید؟ بلیط و
پاسپورت شما؟

مدارک شما مرتب است؟
بله، بفرمایید

تىڭىزنىڭ ბარგى?	بار شما؟
ئەمەن، يىك كىيف دستى و شەققىرى.	چەمان، يىك كىيف دستى و ايىن بسته
ئەلھىندا دەپتۇرۇنىڭ، دەنەرھىنەن ბاىغى شەۋەتىنىڭ!	كىيف دستى را ھمراھ داشتە باشىد و بقىيە بار را بستە بندى كىنيد
مۇبدىپەنلىقىت مېئەن سەكىۋىاڭى!	بە قىمت دوم تشرىف بېرىد
ئامىدەن گۈلەنەن ئەپتەن ئەپتەن ئەپتەن ئەپتەن؟	بردن چىن كىيلو گرم بار بصورت مجانى مىكن است؟
ئەپتەن ئەپتەن ئەپتەن! ئەپتەن ئەپتەن ئەپتەن!	بىست كىيلو گرم بار شما چەل كىيلو گرم است
ئەپتەن ئەپتەن ئەپتەن! ئەپتەن ئەپتەن ئەپتەن!	پول وزن اضافى را بېرىد ازىد بىرمائىد

«خرید»

پوچش

ـ را دیگر س چه چیز نیست؟	ـ بهای این کتاب چقدر است؟
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ ۵ لار
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ یک کیلو گرم سیب چه قیمتی دارد؟
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ شصت تیری
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ ماست ۵۰ تیری قیمت دارد
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ یک متر پارچه پشمی چه قیمتی دارد؟
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ آن سفید رنگ
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ یک متر این پارچه شست لار قیمت دارد
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ خیلی گران است
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ چیز دیگری از آن رنگ دارید؟
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ نه از این رنگ دیگه چیز نیست
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ کجا می توانم کفش خوب بخرم؟
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ کفش خوب را می توانید در مغازهای با مارک معتر بخرید
ـ کمپانی چه قیمتی دارد؟	ـ می خواهم کاپشن بخرم پیشنهاد می کنی به کدام مغازه بروم؟

سازمانی چه برو باشند، پالتوهای زنانه دارید، سایز 50؟	به مرکز تجاري برو خانم، پالتوهای زنانه دارید، سایز 50؟
بله داریم، چه رنگی می خواهید؟	بله داریم، چه رنگی می خواهید؟
تیره تری تو چو.	-سفیدرنگ
ممکن است اندازه اش را ببینم (پرو کنم)؟	ممکن است اندازه اش را ببینم (پرو کنم)؟
آنسا گوی روزه لیسا، شویدلے باد.	البته که ممکن است
گاسا سی نژ ۳۰ تا ۶۷ می بدرد کا ندویت! سارکه ۱۵ آریسا.	به اتاق پرو تشریف برید آینه آنجا هست
می مگویی، گوییم ماهیسا	من گمان می کنم تنگ
	- است
عمرتی ۶۰ میتو دیدی ۶۰ می ۴۰ گاکیت؟	یک سایز بزرگتر که ندازید
دیا که، گوییسا!	بله داریم
۴۰ دیوری؟	- بهایش چقدر است؟
شویدی دلاری دید ۳۰ می ۲۰ تیره تری.	هفت لار و چهل تزی
می میمی، گارگیا، مادرآم ۳۰ می ۱۰ دلی ۳۰ می ۱۰ ماهیسا.	می پسندم، خوب است، ولی پول خرد ندارم
۴۰ آشیسا، می دیگی که عرض داده است.	ایرادی ندارد، من برایتان خرد می کنم
می نگیرم!	- بفرمائید

فریدونشهر بهشت جاودان است
 به هر گلشن دو صد ببل نهان است
 که فصل مطر و می آن زمان است
 چو معشوقه دلارام و جوان است
 که موسم بالکل و خون رزان است
 شناز من، که خیر تو در آن است
 تفریج بالکل و سیمین تنان است
 که از شوقش دل بیران جوان است
 به چد گویم، به از هر بستان است
 به هر سو چشم و کاریز دوان است
 مثل گویم که جون با غم چنان است
 که کوهساران به زیر بوف نهان است
 که کوچکتر سیاهی ذ آن عیان است
 همان گونه که خواهی، آن چنان است
 از آنجاییم، تفریج با جهان است
 که از گردارشان هر جاییان است
 به خصلت قلب آنان مهریان است
 که در رفتارشان این‌ها عیان است
 محل گرجی و گرجی زبان است
 بود غاری که با نام زنان است
 که از اجداد ما آن جانشان است
 نشان از ظلم و بیداد شهان است
 به دل، زاندوهشان زخم سنان است
 سیاهان را بس آثار و نشان است
 که از اعجاب بر سور جهان است
 ذ گرجی های آن عهد و زمان است
 که او نیز خدمتش بر ما عیان است
 سخن از شیعه و از شیعیان است
 گمانم چهره‌ها خرم از آن است
 بیبینی آنجه من گفتم همان است
 خودت گویی که تهمان و قلان است
 فریدونشهر گلستان جهان است
 دیبر ادبیات و بلashیر (رمضان پسلیانی)

فریدونشهر گلستان جهان است
 بیمارش خرم و شاداب و پر گل
 خوش است با بلبلاتش سر کنی عمر
 بیایستی که چنگی زده، تبر چنگ
 به گیسویش در آوبیزی به حد آز
 ز لعل بار گیری کام بسیار
 مده فرصت ز کف بشتاب، آن جا
 بیماری دارد آن جا خرم و خوش
 گلستانش سراسر سبزو خرم
 به هر جانب شوی کوه است و تپه
 هوا مطبوع و دلخواه و دل انگیز
 فریدونشهر به فصل بیعن و دی
 بود یکستر سفید و پاک و معصوم
 به تابستان هوایش دلنشین است
 فریدونشهر چو باشد بام ایران
 بگویم اندکی از ساکناتش
 همه حافی، همه بی غل بی غش
 نمی گویم گزار و حرف بیخود
 فریدونشهر که باشد صحبت از آن
 شمال آن بود کوهی که در آن
 یکی کوه بلندش غرب آن است
 نشان از غیرت مردان گرجی
 به تبر ظلم سپردهند یک به یک جان
 ز گرجی های استاد و هنرمند
 بل الله وزیری خان زیبا
 بود بانی این بل، اوندیلاذریه
 نکو فرزند او، امام قلی خان
 کتاب حکمت، عرفان اسلام
 فریدونشهر چه زیباست و دل انگیز
 برو وقت گل و گلشن به آن جا
 جوروزی را سیر کردی به شادی
 بگویم من هزاران بار دیگر

ვარდის ბედისჭერა

ზღაპრულად გარბის დღეები, ღამეები,
საათში სეირნობს ჩქარად წამები.
მივდივარ წყნარად ბევრი დარდებით,
ვფიქრობ ბახჩაზე გამხმარ ვარდებით.

ეს არის ჩვენი ბედისწერა –
ენის დაკარგვა, ცივი სიმღერა.

ვინ უჭვრეტს ჩემსა გატეხილ გულსა,
არავინ ეძებს ჩემს დაკარგულსა,
გულის სიღრმეში მაქვს ბევრი დარდი,
იცით, რომ ხმების ეს ლამაზ ვარდი?

ჩვენს ლამაზ ვარდსა უმღერეთ თქვენა,
რომ არ დაკარგოს თვის დედაენა.
ეს ვარდი არის ფერეიდანი –
მრავალტანჯული და სევდიანი.

მთების შუაში ჩავარდნილა,
წყაროსგან შორს დავარდნილა.
აბა მზრუნველი, მითხარ, სად არის,
ჰატარა ვარდთან არვინ არ არის.

არვინ არ არის, არვინ არ არის,
მითხარ, სამშობლო – წყარო სად არის?

ჟასან ალი რაჟიმი

سەپاڕىشۇل-ئەرەپلىق مەھىئەسى كۈنىنى

لغت نامە كوچك فارسى گرجى

ـ

سەمۋەت	ئەشىزخانە
سەتەپەلەم	اسكى
ىمەدە	اميد
اىندا	الفبا
سەرىپە	انبار
ئەۋەلەپە	انقلابى
ئەپەن	ایمان
سەمۇشىم ئەتەپ (قۇبىنەپە)	اطاق كار
شەسۋەنە	استراحت
ئەزىزى	ارشد
لۇغۇتى	اسانسور
غەزىنە	اشتايى
اىندا	اکنون
اىندا	اخيرا
ئى	اين
ئەسەنە	اينها
ىڭىزە	انجايى
ئەرەپ	ابر
شەمەتەۋە	اتفاق
بەرگى	اثائىه
سەنەتە	اجتماع انجمان

سەرساڭ	اجلاس جلسه
شەڭمەنە	اختراج
سەيىھۇرىئەندىم	ادىيات
شەپھەرەۋەلەد	استوار
قۇلۇنىڭىزىم	استعمار
نىڭىز	ھوش
سەتىپىزىلەنەن	اساس بنىاد
اىرماق، چەرچەن	ارتىش
بەشىرىتىدە	اغلب
مەتاۋاრى	اصلى
ىكەن	اردك
قەنەن	اسب
قىسىمچەرى	ابى
ىداۋى	ارزان
ئېڭىلەن	آب
قۇمۇ	آسمان
بەرلىق، بەرلىقى	احمق بى مخ
غەڭىزەندىم	ايستگاه
سەمىسىتەتى	ادارە
خەرچ	ازدحام

ب

قۇمۇرۇ	بېشىتى آسمانى
نىزىپىنى	بىستى
بەزىرى	بىسيا ر
ئەڭىزەلەد	بدون شك
سەمەتىڭىز	بېشت

ფრთხილად	با احتیاط
მორიდებულად	با خجالت
ნაყინი	بطور روش
ბუნებრივი	طبيعي
ამდენად	اینقدر
ამგვარად	بکمین ترتیب
შეხვედრამდე	به امید دیدار
არა მიშავს	بد نیستم
უწესრიგოდ	بد و نامنظم
ცუდი	بد
ბალი	باغ
ბარი	بیل
დიახ	بله
ქარი	باد
ჩვენთვის	برای ما
ყმაწვილი	بچه
უბედური	بدبخت

گ

ქართველი	گرجی
სეირნობა	گردش کردن
კისერი	گردن
ზოგჯერ	گاهی
თბილი	گرم
ირემი	گوزن
მსხალი	گلابی
ბალი	گیلاس

ئىرەمەن	گودال
پاپىقۇرۇق	گوجە فرنگى
يېلىق	گلۇ
ساقۇچىرى	گوشوارە
اپتۇرى	گەھوارە
قۇچىرى	گاوه مادە
قەۋارىق	گوسفند
ساقۇچارەتلىق	گرجستان
تاۋغا سۈلىق	گىستاخ
پۇچىلىق	گل
پۇچىرى	گوش

د

مەنھىزىقا	دعوت
غۇشىن	ديروز
خەلەپ-خەلەپىدە	دستە دستە
شەركىسى	دور
شەلدەغىن	نتىجه
ساقاسماڭتىلىق	دادگاه
رىامانلىق	دارو
مەنەتىپەنە	داستان
سەيدە	داماد
سەيدەنە	دانابىي
قۇرغۇندا	دانش
شەسەنە	دریبارە
غەپقەتىلىق	درس
قۇرغۇلىق	درد

მტერი	دشمن
გოგონა	دختر
ვაჟკაცური	دلیر شجاع
ყურადღება	دقت توجه
ხე	درخت
ხეობა	دره
ზღვა	دریا
უყვარს	دوست دارد
ხელი	دست

و

აგრეთვე	نیز
შთამომავალი	وارث

ز

ენა	زبان
ყვითელი	زرد
ნახშირი	زغال
ლამაზი	زیبا
ბიცოლა	زن عموم
ჯაჭვი	زنجیر
ზამთარი	زمستان
ყვავი	زاغ
ცხოვრება	زندگی

ت

ټېلېفون	
تلويزيون	
تخصص	
تا اينجا	
تاسف	
تصادفا	
تا انوقت	
تبر	
تحقيق	
تردید	
تشکر	
تصسیم گرفتن	
تعطیل	
تبلي	
تلخ	
تولد	
توجه	
ترس	
تاسیس	

م

مادر	
مهماںی	
معتدل و ملايم	

مەھىە	مطالعە
مۇساك	ۋېلىقىسى
مسىراح	سادقىتلىقىنىڭ
محلە	ئۇرىنى
مال كى	ۋەزىيەت
منوئىم	مەنلىقى
مەشەل	مەغالىقىتىقى
ما	ئىزىز
ماست	مەنچىننى
مار	غەلەقى
مايىع	سەيتەقى
ج محلە	ئۈرۈنلەرنى
مەتن	تىپسىلىقى
متىكىر	مەنۋىزى
متىحد	غەرەتىداڭىزبۇلۇقى
محبس زندان	سادقىتلىقىنى
محتوى	شىنقاڭىسى
مخصوصا	غاڭساقۇتىرىقىزۇلۇقى
ماجرى	تەۋەققىدا ساۋالىقى
ماه	مەتۋارىجى
ماھى	تەۋەققى
مترجم	مەتاڭىمەنلىقى
مچ	مەنچىن
مرد	ئەن
مختلف	مەنۋاڭىندا ئەيدىرىقى
مرکز	قەنلىقى
مىست	مەتۋارالىقى

მგზავრი	مسافر
გემო	مزه
ეროვნება	مليت
ერი	ملت
წმინდა	مقدس
მასწავლებელი	معلم
მკურნალობა	معالجه
ამაყი	مغورو
დიალოგი	مکالمه
მუსიკა	موسيقى
მე	من
სამშობლო	میهان
შუა	میان
სახლი	خانه
ჩემი	مال من
შესაბამისი	مناسب
ბოდიშის მოხდა	معدرت خواستن
მანქანა	ماشین

ن

სახელი	نام
მხატვარი	نقاش
ბრძა	نابینا
შეწუხება	ناراحت بودن
სადილი	ناهار
მეპურე	نانوا
დანიშნული	نامزدہ شده

میسآماრتیو	نشانی
غواړۍ	نام خانوادگی
مسټاګسیو	نظیر مانند
پورې	نان

ر

تاټکوټۍ، ماما مټاواړۍ	رهبر پیشوا
ოფیცیال پورې	رسمی
سیمآر تلے	راستی
غږا	راه
عکمې دلې	روز تعطیل
ساید ډولو	راز
اډښانګو، مړو ډاړۍ	رفیق
ټاڼځوا	رنج
გاڻګه توی	روزنامه
سونډې لو	روستا
ټېرې	رنګ
ټېسټو	ریشه

س

سآاتو	ساعت
اډمیاრتیو	سر بالا
გاიسا د	سال آینده
ماګاړۍ	سفت
ოرګانیზاټو	سازمان موسسه
مګټو وړجې	ساکن
مڏواښو	سبزی تره بار

دندان	سخت
سیلیکا	سخن حرف
سرمه	سراسر
گلابی	سرماخوردگی
هیچارہ	سریع
مکمل	سینه
واشل	سیب
فیبر	سوگند
تاتو	سر

پ

ماہما	پدر
بدیک	پسر
غاہماں جزویہ	پیروزی
غولی	پیروز
شہزادگانہ	پاییز
بیوی	بنجشنہ
ماہی	پس
عکس	پرستار
عکس	پیشک
مٹھے	پس فردا
کاسٹل	پاسخ
بدال	پایان
دیسے رٹا فیڈ	پایان نامہ تز
ناظم	پر ٹھر پر حاصل
بیوی	پل
کرنگری	پیشرفت

ქვევით	پایین
ფეხი	پا
ყველი	پنیر

ک

წიგნი	کتاب
მტრედი	کبوتر
ნეტავ	کاشکی
ქაჩალი	کچل
მუშა	کارگر
საკმაოდ	کافی
ქუდი	کلاه
გლეხი	کشاورز
ყრუ	کر
კომბოსტო	کلم
ქამარი	کمر بند
ცოტა	کم
კონფერენცია	کنفرانس
ყრილობა	کنگره
ჩანთა	کیف
გემი	کشتی
სართული	طبقه
გრიგალი	طوفان
ოქრო	طلاء

ع

ინტერესი	علاقه
არა უშავს	عیبی ندارد
საოცარი	عجب
ჩვევა	عادت
დედოფალა, თოჯინა	عروسک
ძვირფასი, საყვარელი	عزیز محبوب
ჯობი	عصا
საღამო	عصر
წევრი	عضو
არწივი	عقاب
სურათი	عکس
აზრი	عقیده
ბიძა	عمو
ზოგადი	عمومی
პირობა	عهدہ وفا
სათვალე	عینک
ბრძენი	عالی
ბრწყინვალე	عالی مشهور

ق

გმირი	قهرمان
გული	قلب
ძველად	قدیم
აუცილებლად	قطعا
ღონიერი	قدرمند
ნავი	قایق
სოკო	قارچ

დაპირება	قول
თარო	نفسه
საუკუნე	قرن
ყავა	قهوة

ف

განსხვავება	فرق
მხოლოდ	فقط
სპარსული	فارسی
უზნეო	فاسد
გინება	فحش ناسرا
ზემოთ	فراز بالا
მეთაური	فرمانده
ვინმე	فلان
აქტიური	فعال
კულტურა	فرهنگ
შვილი	فرزند
თხილი	فندق

ش

სანთელი	شمع
რქა	شاخ
გახარებული	شادمان
პოეტი	شاعر
ვახშამი	شام
მხარი	شانه
იქნებ	شاید

ღამე	شب
ვაჟკაცი	شجاع
პირობა	شرط
ტურა	شغل
დიდება	شکوه عظمت
დაწყება	مشروع آغاز
ქალაქი	شهر
საბჭო	شورا
ლომი	شير
ხმალი	شمیشیر
ღამე მშვიდობისა	شب بخیر

ج

სტამბა	چاپخانه
ნიკაპი	چانه
მარცხენა	چپ
რატომ	چرا
ბორბალი	چرخ
წყარო	چشمeh
ჩაი	چای
თვალი	چشم

خ

ღმერთი	خداد
გამზირი	حيابان
ოჯახი	حانواده
ძალიან კარგი	حیلی خوب

ڏڳڙو	زياد
ڏڳڙنويئرڻدا	حوشخت
ڙٻولويس ڙاڻڻدا	خمير دندان
تڙويسهڻدا	خاصيت
اڻڻاڻو	خبر
ڙاڻاڻاڻو	حائڻ
ڙاڻڻاڻو	حاص
ساڪسونواڻو	حاطره
გاڻرაڻهڻدا	حشم
ڏاڻللوڻو	حسنه
კერძო	خصوصي
ڙاڻمۇردا	حفاش
ساقعه	خوبى
ساقىللىق	خون
نىاتعسازى	خويشاوند

ج

ساقىنڻيئرەسون	حالب
سېرىيىڻىللىق	حدى
ڦاڭىسىاملىسى	جامه لباس
ځىلڻدۇ	جائزه
ڇىنباپاڻو	حد نيا
مومرداڻدا	حنېش
اڭاڻغاخىڻدۇڻدا	حوانى
وەمە	حنگ
قىرۇ	جان

ح

პროფესია, ხელობა	حرفه
აბანო	حمام
ნაყოფი	حاصل میوه
მზად	حاضر اماده
დაზეპირება	حفظ کردن
სიმართლე	حقانیت
ცხოველი	حیوان
შური	حسود

5

კვირა	هفتہ
მეუღლე	همسر
ჯერ	هنوز
არასდროს	هیچ گاه
ყველა	همه
ყოველთვის	همیشه همه وقت
ატამი	ھلو
იგივე	همان
ჰავა	هوا